

پهلوی کا

خاندان پهلوی بہ روایت اسناد

جلد دوم:

فروریڈان رضا شاہ

بہ کوشش:

جلال انور مانٹی زادہ

مختار حدیدی





مؤسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر
(خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۸۵)

بهلویها

خاندان بهلوی به روایت اسناد

جلد دوم: فرزندان رضا شاه

به کوشش: جلال اندرمانی زاده، مختار حدیدی
حروفچینی و صفحه‌آرایی:

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

امور آماده‌سازی، چاپ و صحافی:

مؤسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر

تلفن: ۸۸۴۳۲۹۴-۸۸۲۸۹۰۳

طرح روی جلد: سیامک فیلی زاده نظر

لیتوگرافی: معارف

چاپ دوم: زمستان ۱۳۷۸

تعداد: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: دوره دو جلدی ۶۰۰۰۰ ریال

بخش مهراندیش: ۶۴۱۱۱۷۴

شابک ۶-۶۳۵۷-۶۶۴-۹۶۴
ISBN/0964-6357-15-6

فهرست مطالب

● غلامرضا پهلوی و ملکه توران	۳-۹۱
توران امیر سلیمانی	۳
ازدواج ملکه توران با سید ذبیح‌الله ملک‌پور بعد از مرگ رضاشاه	۴
اخراج ملکه توران از دربار به دستور تاج‌الملوک پهلوی	۶
فعالیت‌های اقتصادی ملکه توران	۸
غلامرضا پهلوی	۱۱
ازدواج	۱۴
خصوصیات اخلاقی	۱۶
فعالیت‌های اقتصادی	۱۷
● اسناد	۲۳-۹۱
● شمس پهلوی	۹۳-۲۵۰
نوجوانی و جوانی	۹۵
مرحله اول زندگی شمس	۹۶
مرحله دوم زندگی شمس	۱۰۱
آشنایی و ازدواج با پهلبد و مخالفت برخی از درباریان	۱۰۴
تغییر مذهب	۱۱۳
شمس و جمعیت ادبی	۱۱۴
انتخاب همسر برای محمدرضا پهلوی	۱۱۷
ترک ایران و سفر به آمریکا	۱۱۸
فعالیت‌های اقتصادی	۱۲۰
ترقی سریع مهرداد پهلبد	۱۲۴

۱۲۶	قرار از ایران
۱۲۹-۲۵۰	● اسناد
۲۵۱-۳۴۵	● اشرف پهلوی
۲۵۳	اشرف پهلوی در کودکی و نوجوانی
۲۵۶-۲۶۵	اشرف پهلوی و همسران وی
		۱. علی قوام
		۲. احمد شفیق
		۳. مهدی بوشهری
۲۶۵	مناصب و مشاغل اشرف پهلوی
۲۶۸	شبکه اشرف پهلوی
۲۷۱	اشرف پهلوی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۲۷۴	اشرف پهلوی و قمار
۲۷۵	قاچاق عتیقه
۲۷۶	مواد مخدر
۲۷۸	نقش واسطه‌گری اشرف پهلوی در شرکتهای خصوصی
۲۸۱	خصوصیات اخلاقی اشرف پهلوی
۲۸۵-۳۴۵	● اسناد
۳۴۷-۴۲۴	● فاطمه و محمودرضا پهلوی
		فاطمه پهلوی
۳۴۹	ازدواج با علی هیلر
۳۵۱	ازدواج با ارتشید خاتمی
۳۵۲	ارتشید خاتمی و معاملات اسلحه
۳۵۴	مرگ ارتشید خاتمی
		محمودرضا پهلوی
۳۵۷	فعالتهای اقتصادی
۳۵۹	محمودرضا پهلوی و تجارت پرسود تریاک
۳۶۰	خیرخان گودرزی و ماجرای حیف و میل کمکهای امریکا به ایران
۳۶۹-۴۲۴	● اسناد

- حمیدرضا پهلوی ۴۶۷-۴۲۵
- دوران نوجوانی و شایعه ولایتعهدی حمیدرضا ۴۲۷
- اخلاق و روحیات ۴۲۸
- حمیدرضا شخصیت در دسرساز خاندان ۴۳۰
- قاچاق مواد مخدر ۴۳۶
- اخراج از دربار ۴۳۶
- فرزندان ۴۳۸
- اسناد ۴۶۷-۴۴۵
- عبدالرضا، علیرضا و احمدرضا پهلوی ۵۲۸-۴۶۹
- عبدالرضا پهلوی
- دوران نوجوانی و جوانی ۴۷۱
- شایعه ولایتعهدی عبدالرضا ۴۷۱
- اشتغال عبدالرضا در مراکز دولتی ۴۷۷
- ازدواج عبدالرضا و مطرود شدن همسرش از دربار ۴۸۰
- درآمدهای اقتصادی ۴۸۶
- علیرضا پهلوی
- تحصیلات ۴۹۱
- خصوصیات اخلاقی ۴۹۱
- ولایتعهدی علیرضا و اختلافش با شاه ۴۹۴
- ازدواج ۴۹۵
- درآمدهای اقتصادی ۴۹۷
- شرکت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۴۹۷
- مرگ در سانحه هوایی ۴۹۸
- علی پاتریک: بازمانده مشکل آفرین برای دربار ۴۹۸
- احمدرضا پهلوی ۵۰۳
- اسناد ۵۲۸-۵۰۷
- تصاویر ۶۲۴-۵۲۹
- اعلام ۶۳۸-۶۲۵

www.KetabFarsi.com

توران امیر سلیمانی

قمرالملوک امیر سلیمانی (ملکه توران) سومین همسر رضاخان و مادر غلامرضا پهلوی است. وی دختر عیسی خان مجدالسلطنه امیر سلیمانی (۱۲۵۹ تا ۱۳۴۵ ق) و نوه مهدیقلی خان مجدالدوله از درباریان قاجار در دوران ناصری و مظفری و پس از آن است. مجدالدوله فرزند عیسی خان مجدالدوله دایی ناصرالدین شاه (۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق) و حاکم گیلان بود و مادرش شمس‌الملوک منزله‌الدوله بود که در جوانی درگذشت.^۱

ملکه توران در سال ۱۲۸۲ در تهران به دنیا آمد. دوران کودکی و جوانی را در همین شهر گذراند و تا سال چهارم متوسطه در دبیرستان ناموس به تحصیل پرداخت.^۲

رضاخان در سال ۱۳۰۱ که به مقام وزارت جنگ و سردار سپهی رسیده بود به فکر ازدواج مجدد افتاد و یکی از امرای ارتش وی، به نام امیر لشکر خدایارخان واسطه عقد ازدواج وی با ملکه توران، دختر مجدالسلطنه شد. مدتی ملکه توران در خانه اجاره‌ای واقع در خیابان معروف به مؤدب‌الملک زندگی می‌کرد تا آن که با عجله قطعه زمینی مجاور چهارراه فعلی پهلوی خریداری و ساختمان شد و ملکه توران به خانه جدید انتقال یافت. زندگی زناشویی رضاخان و ملکه توران دوام چندانی

۱. «خاطرات ملکه توران»، تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، (۱۳۶۹)، ص ۱۵۰.

۲. جعفر شاهید. دودمان پهلوی: جریان ملی شدن صنعت نفت در ایران: تاریخ و شرح حال خاندان سلطنتی. بی جا، بی نا، ۱۳۳۲، چاپ دوم، ص ۴۷۲.

نداشت و اندکی بعد از تولد غلامرضا در ۱۷ جوزا (خرداد ۱۳۰۲) به متارکه انجامید.^۱

اما در باب علت واقعی این متارکه روایات مختلف است. عدم اطلاع تاج‌الملوک (ملکه مادر) از ازدواج مجدد رضاخان و سپس مخالفت شدید وی با این وصلت، برخورد های توران و نارضایتی شخص او از زندگی با رضاخان از جمله این روایتهاست.^۲

ازدواج ملکه توران با سید ذبیح‌الله ملک‌پور بعد از مرگ رضاشاه

ملکه توران پس از طلاق تا هنگام مرگ رضا شاه در ژوهانسبورگ، در یکی از عمارت‌های دربار با غلامرضا زندگی می‌کرد. اندکی بعد از مرگ رضا شاه در سال ۱۳۲۴ وی با موافقت غلامرضا با بازرگان ثروتمندی به نام ذبیح‌الله ملک‌پور ازدواج کرد. در این باره ملکه توران در نامه‌ای به غلامرضا چنین می‌نویسد:

سیم ژانویه ملک‌پور آمد. خیلی از رفتن شما و ندیدن شما متأثر شد زیرا فوق‌العاده مشتاق زیارت شما بود که خودش حضوراً اجازه بگیرد که برای همیشه نرود و دوست شما باشد. البته گفته‌های شما را خاله جان به او ابلاغ کرد. خیلی اظهار تشکر کرد از اینکه شما رضایت به این وصلت دادید و چون صحبت بین خودمان هم تمام شده بود و فقط منتظر اجازه شما بودیم این بود که فوراً تلگراف کرد تهران به محضر رسمی که کار را خاتمه دهد. من هم همین قدر می‌توانم به خواست خدا شما را مطمئن کنم که دوست باوفایی برای من و شما خواهد بود.^۳

سید ذبیح‌الله ملک‌پور بازرگان بود و در نقاط مختلف جهان (فلسطین، بیروت، پرتغال، قاهره و ...) دفاتر تجاری تأسیس کرده بود. وی یکی از گردانندگان فراماسونری در ایران بود. نام او به عنوان یکی از فعالان لژ پهلوی در کتابچه‌ای به جا مانده از محمدخلیل جواهری در کتاب راین آورده شده است.^۴ برای اطلاع از نفوذ و فعالیت ملک‌پور در تشکیلات فراماسونری کافی است که بدانیم جلسات فراماسونری در منزل

۱. غلامحسین میرزا صالح، رضا شاه: خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی، تهران،

طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۲۷. ۲. «خاطرات ملکه توران»، همان، ص ۱۵.

۳. سند شماره ۲ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۴. اسماعیل راین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۲۸ و ۳۵.



غلامرضا پهلوی و توران امیرسلیمانی [۱۶۴۶-۱-پ]



توران امیرسلیمانی و خانواده (۱۹۷۰)

از راست نفر پنجم سید ذبیح... ملک پور و نفر هفتم توران امیرسلیمانی [۸۲۷-الف]

ملکه توران به وسیله وی تشکیل می‌شد.^۱
 ملک‌پور از بنیادگذاران باشگاه خورشید تابان می‌باشد. باشگاه مذکور دومین سازمان نیمه‌مخفی فراماسونهای فرانسوی در ایران است. وی از تاریخ ۱۳۴۳/۳/۱۲ به مدت یک سال به عنوان نایب رئیس باشگاه خورشید تابان انتخاب شد.^۲
 در کتاب راین همچنین نام ملک‌پور به عنوان عضو لژ تهران تابع گراند لژ انگلستان آورده شده است.^۳

پیوند فامیلی بین ملک‌پور و خانواده پهلوی موجب شد که او به عنوان یک تاجر رابطه تجاری نزدیکی با خانواده پهلوی برقرار سازد که در موردی منجر به اختلاف بین وی و شمس پهلوی شد. غلامرضا در این مورد در نامه‌ای به مادرش چنین می‌نویسد:

در کاغذ قبلی برایتان شرح دادم که ملک‌پور، این طوری که من شنیدم، مقداری متروض به شاهدخت است که هنوز نداده و من مایل نیستم اسم من و شما برای تجارت اشخاص خراب شود و دیگر آن که مایل نیستم خواهرم در این بابت رنجشی داشته باشد. پس بهترین چیز آن است که در اولین فرصت این قرض را ادا نمایند. عزیزم نه خیال کنید من بی فکر صحبت می‌کنم ولی همین چیزهاست که اشخاص را نسبت به ایشان طرف می‌نماید شما که می‌دانید من چقدر باید خواهر و برادرانم را در دست داشته باشم.^۴

اخراج ملکه توران از دربار به دستور تاج‌الملوک پهلوی

بعد از مرگ رضا شاه تاج‌الملوک مادر محمدرضا حملاتش را نسبت به زنان دیگر رضاخان که، در جوار دربار، هر کدام دارای محلی برای زندگی بودند بیشتر می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که ازدواج توران با ملک‌پور را بهانه قرار می‌دهد و توران را از خانه‌ای که رضا شاه در اختیار وی و فرزندش قرار داده بود بیرون می‌کند. جریان این درگیری را در نامه ملکه توران به غلامرضا چنین می‌خوانیم:

علیا حضرت به شاه گفته که دیگر ملکه توران شوهر کرده و نباید توی این عمارت

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج دوم، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران. تهران، انتشارات اطلاعات.

۲. ۱۳۷۰، ص ۲۲۵. ۳. اسماعیل راین. همان، ص ۴۲۶ و ۴۲۸.

۴. اسماعیل راین. همان، ص ۶۷۴.

۵. سند شماره ۱۲ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

بنشینند. در نبودن من درب عمارت ما را باز کردند همان پنج پارچه فرش و ده عدد لوستر که به شما گفتم بعد از بیست و دو سال از بابت ارث پدر و تمام مرحمت خودشان به شما داده بودند دوباره بردند. تمام گلدان شمشادها همه را کنده و منزل ما را مثل یک مسجد برایم درست کرده بودند ... مختصر آن که تاج الملوک، پسرش، من و تو را از همه طرف بیچاره کردند. امید است خداوند بیچاره‌شان کند.^۱

ظاهراً رضا شاه از ثروتهای بی حد و حصری که از ملت ایران به یغما تصاحب کرده بود برای غلامرضا چیزی در نظر نگرفته بود و ارث وی را موکول به نظر محمد رضا کرده بود. ملکه توران در نامه‌ای خطاب به محمد رضا می‌نویسد:

یک مرتبه در قاهره به او گفتم [غلامرضا] چرا از پدرت درخواست نکردی اقلأ به تو هم چیزی مرحمت کنند، مثل شاهپور عبدالرضا گفت: مادر گفتم، ولی اعلیحضرت مرحوم فرمودند غلامرضا تو و مادرت را اعلیحضرت فعلی و علیاحضرت دوست می‌دارند و نمی‌گذارند به شماها بد بگذرد.^۲

ملکه توران در نامه‌های متعددی غلامرضا را تشویق می‌کند تا برای گرفتن سهم الارث خود هر کاری که می‌تواند انجام دهد و راههای متعددی فرا روی وی می‌گذارد و او را تشویق می‌کند که نامه‌هایی به مجلس شورای ملی، محمد رضا و فوزیه و دیگران بنویسد و اگر از این طریق به نتیجه نرسید تهدید به استعفا از وابستگی به دربار و خاندان پهلوی بکند:

خواهش دارم، عزیزم، دیگر رودرواسی را کنار بگذاری، همین طور که اینها در این مدت بیست و سه سال ابدأ ملاحظه ما را نکردند و در همه موقع ما را بیچاره و بدبخت کردند، تو هم به هر کس که لازم می‌دانی کاغذ بنویس؛ هم مطالبه حقت را بکن و هم برای آمدنت به ایران. و بگو یا حق مرا اقلأ مطابق خواهرهای خودش بدهد یا اساساً من از این مقام نحس که جز بدبختی و دربه‌دری من چیزی در بر نداشت استعفا داده می‌خواهم به وطنم که از هر چیز پیش من عزیزتر است بیایم.^۳

۱. سند شماره ۴ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۲. سند شماره ۵ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۳. سند شماره ۱۴ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

فعالیت‌های اقتصادی ملکه توران

شروع فعالیت‌های اقتصادی توران امیر سلیمانی با خرید تدریجی قریه علی آباد در سال ۱۳۱۸ آغاز می‌شود. قریه مزبور یکی از دهات پدربزرگ توران امیر سلیمانی بود. ورثه مجدالدوله می‌ترسیدند به واسطه مجاورت علی آباد با فرح آباد خزانه که آن موقع متعلق به رضا شاه بود ورثه را مجبور نمایند این ده را به مبلغ کمی به املاک واگذار نمایند. این بود که توران امیر سلیمانی اقدام به خرید ده مزبور می‌نماید و طی نامه‌ای از محمدرضا که آن زمان ولیعهد بود می‌خواهد تا اعتباری به مبلغ بیست هزار تومان از بانک سپه در اختیار وی قرار دهند و وی این مبلغ را به اقساط به بانک عودت دهد.^۱ و بدینگونه وی مالک قریه علی آباد میشود و در سال ۱۳۳۹ نیز وقتی از واگذاری املاک سلطنتی در مازندران به درباریان مطلع می‌شود طی نامه‌ای از محمدرضا درخواست می‌کند یکی از دهات مزروعی مازندران را به وی واگذار نماید و شاه نیز دستور می‌دهد هر یک از دهات شمال را که وی طالب آن می‌باشد به او واگذار گردد. ملکه توران یکی از زمینهای مرغوب مازندران به نام ایزده از توابع آمل را انتخاب کرد. ایزده دهستان بسیار بزرگی بود که مطابق نقشه از حد شرقی امیرآباد تا حد غربی رستم رود در حدود شش کیلومتر و نیم در کناره دریا امتداد داشت و ده کیلومتر از دریا تا انتهای جنگل بود. و ظاهراً ملکه توران با پرداخت مبلغی بالغ بر سیصد هزار تومان مالک سه دانگ از قریه ایزده با تمام مشخصات نقشه محدوده و مقداری محصول برنج و سایر محصولات می‌شود و ظرف مدت ۳ سال زمینها را از صدوپنجاه هکتار به پانصد هکتار توسعه می‌دهد.^۲

بعد از اصلاحات ارضی کذایی، ملکه توران بنا به اظهار خودش دویست سیصد هزار متر از زمینهای خودش را به اقوام و آشنایان انتقال می‌دهد.^۳

در دهه پنجاه درباریان برای بلعیدن اعتباراتی که برای ساختن مسکن از سوی دولت منظور شده بود به شهرک سازی روی آوردند. در اواخر سال ۱۳۵۳ ملکه توران به فکر ساختن شهرکی به نام توران شهر افتاد و با معمار آلمانی به نام مهندس رودلف قراردادی منعقد ساخت که در زمین ملکی او به مساحت ۷۰۰ هزار مترمربع واقع در جنوب تهران شهرکی احداث کند. بعد از تدارک مقدمات این پروژه توسط آلمانیها بین دو طرف

۱. خاطرات دست نویس توران امیر سلیمانی موجود در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. همان.

۳. همان.

قرارداد بر سر متراژ زمین اختلاف بروز می‌کند و پروژه معوق می‌ماند.^۱ از طرف دیگر این قضیه مصادف با تحولات سالهای قبل از انقلاب اسلامی می‌شود و در نتیجه رؤیای شهرک سازی ملکه توران هرگز تحقق نمی‌یابد.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ملکه توران نیز چون دیگر درباریان به خارج گریخت. مصطفی الموتی وضعیت وی را در خارج چنین توصیف می‌کند:

یکی از مطلعین که با بعضی از اعضای خانواده پهلوی ارتباط دارد می‌گفت: ناراحت‌ترین وضع را ملکه توران مادر شاهپور غلامرضا دارد که ثروتش را یک خانواده که از قدیم با او دوستی داشته خورده‌اند که با رأی دادگاه توانسته ۷۰۰ هزار مارک از آنها پس بگیرد که آنرا نزد یک تاجر ایرانی گذارده و از بهره آن امرار معاش می‌کند. به این صورت که گاهی در آلمان در خانه کوچکی به سر می‌برد.^۲ ملکه توران در ۱۳۷۳ در پاریس در خانه سالمندان درگذشت.^۳

۱. اسناد شماره ۲۱ و ۲۲ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۲. مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی؛ ج ۲: رضا شاه در تبعید، لندن، بی‌نا، ۱۳۶۷، ص ۲۶۰.

۳. مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی؛ ج ۱۶: خاطراتی از شاهان پهلوی و فهرست اسامی ۱۵

جلد لندن، بی‌نا، ۱۳۷۳، ص ۵۴.

www.KetabFarsi.com

غلامرضا پهلوی

غلامرضا پهلوی پنجمین فرزند رضا شاه از توران امیرسلیمانی به تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۲ در تهران متولد شد. اندکی بعد از تولد وی مادرش از رضا شاه جدا می شود. از همان زمان غلامرضا با مادرش در خانه‌ای که رضاخان برایشان تهیه کرده بود زندگی می کرد.

وی تحصیلات ابتدایی را در ایران گذراند. در سال ۱۳۱۳ همراه سه برادر دیگرش عبدالرضا، احمدرضا و محمدرضا برای ادامه تحصیلات به سوئیس مدرسه لوروزه فرستاده می شوند.^۱ مدرسه لوروزه همان مدرسه‌ای است که محمدرضا در آن مشغول تحصیل بود و در سال ۱۳۱۵ همگی برادرها به اتفاق محمدرضا به تهران برمی گردند و در دبیرستان نظام مشغول به تحصیل می شوند.^۲

در سال ۱۳۲۰ پس از تبعید رضاخان، غلامرضا و دیگر - ادرانش مجبور می شوند پدر را همراهی کرده به آفریقای جنوبی بروند. اندکی بعد از برگ رضا شاه غلامرضا که هنوز اجازه بازگشت به ایران را نداشت راهی آمریکا شد و - مدرسه پرینستن مشغول تحصیل شد. غلامرضا در نامه‌ها و تلگرافهای متعدد از محمدرضا درخواست می کند که اجازه دهد به ایران بازگردد اما جواب مثبتی نمی شنود. وی عنت عدم قبول تقاضای خودش را دخالت تاج الملوک می داند:

تلگرافی به شاه زدم که بلکه بتوانم برای تابستان به ایر - بیایم و وضعیت خود را و شما را روبه راه بنمایم. چون اگر خود با شاه روبه رو شوم وضعیت خیلی فرق می کند

۱. خاطرات دست نویس توران امیرسلیمانی موجود در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. همان.

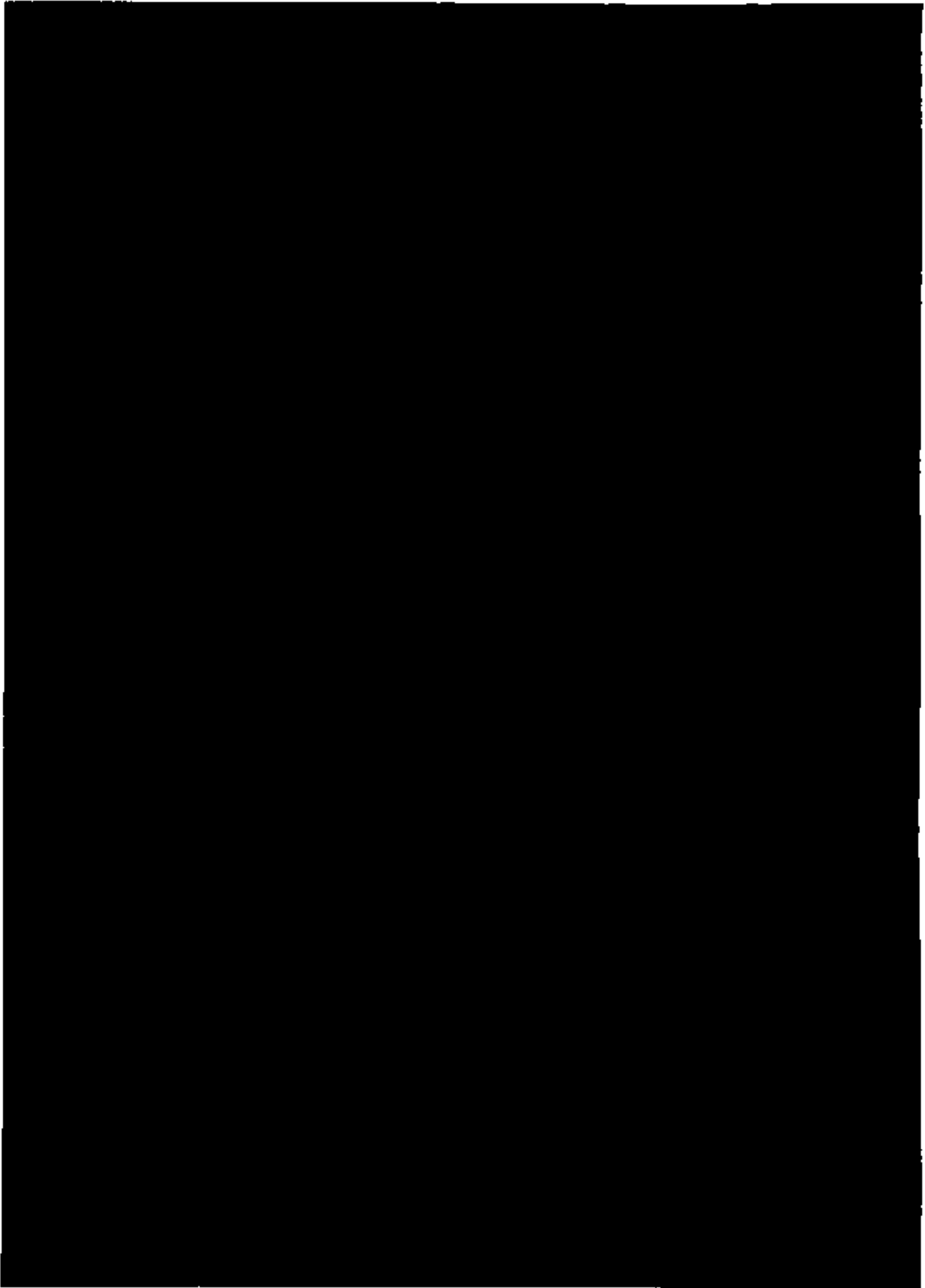
تا آن که انسان کاغذ و تلگراف بفرستد. اگر اجازه بدهد خیلی خوب می‌شود؛ فقط برای تابستان و شاید بعدش هم به اتفاق دوباره به آمریکا آمده یا آن که به اروپا بروم. اگر شاه خود به کارها رسیدگی می‌کرد و مادرش دخالت نمی‌نمود خیلی گمان می‌رفت که من تا به حال ده بار به ایران می‌آمدم و اقلأً از دیدار وطن، هموطنان و فامیل برخوردار می‌شدم. حالا چون علیرضا نمی‌تواند برگردد ما هم باید به آتش او بسوزیم.^۱ چند دفعه به برادرم (شاه) متذکر شدم که اجازه دهند که من به ایران برگردم ولی هیچ جوابی نداده است. در دفعه آخر به او نوشتم یا اجازه دهد به ایران بیایم و یا وسیله آمدن شما را فراهم آورند.^۲

غلامرضا پس از اقامت یک ساله در آمریکا با جلب موافقت محمدرضا به ایران باز می‌گردد و وارد دانشکده افسری می‌شود و در مهر ۱۳۲۷ دانشکده نظام را به پایان می‌برد.^۳ وی در اسفند ۱۳۵۰ به درجه سرتیپی می‌رسد. غلامرضا به عنوان یک مقام رسمی نظامی به شمار می‌رفت و در ضیافت‌های خارجی و داخلی به جای شاه حاضر می‌شد:

قبل از تولد ولیعهد و پس از درگذشت تنها برادر تنی شاه علی [رضا] غلامرضا بسیاری از وظایف تشریفاتی ولایتعهدی را عهده‌دار بود و در سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۹ چنین شایع شده بود که او رسماً به عنوان ولیعهدی برگزیده خواهد شد. در اوایل سال ۱۹۵۹ عده‌ای از سیاستمداران و نظامیان سعی کردند که غلامرضا را به درجه ولایتعهدی برسانند، چون انتظار سقوط سریع شاه را داشتند، ولی این موضوع با تولد رضا، پسرش، خاتمه یافت.^۴

اهمّ مشاغل وی عبارت بود از ریاست کمیته المپیک، ریاست باشگاه سوارکاران، آجودان ویژه شاه، ریاست عالی بازرسی ویژه ستاد فرماندهی عالی، عضو شورای نیابت سلطنت.^۵

۱. سند شماره ۷ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.
۲. سند شماره ۱۰ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.
۳. خاطرات دست نویس توران امیرسلیمانی موجود در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴. از ظهور تا سقوط. ترجمه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۶. ج اول. ص ۱۱۱.
۵. از ظهور تا سقوط. همان. ص ۱۱۰.



ازدواج

غلامرضا پهلوی در سال ۱۳۲۶ با هما اعلم، دختر امیر اعلم پزشکی رضا شاه که از طرف مادری نوه و ثوق الدوله می‌باشد، ازدواج کرد. غلامرضا و هما به لحاظ نسبی نتیجه دو خواهر بودند: یکی مادر بزرگ توران امیر سلیمانی و یکی مادر و ثوق الدوله که هر دو خواهرهای امین الدوله صدراعظم بودند. ثمره این ازدواج دو فرزند بود یکی دختر به نام مهرناز که در سن سه سالگی بر اثر بیماری در یکی از بیمارستانهای پاریس درگذشت و دیگری پسری به نام بهمن که از بدو تولد تحت تربیت یک خانم پرستار آلمانی قرار گرفت. بهمن در سن پنج سالگی به راحتی به آلمانی تکلم می‌کرد و دوره کودکی خود را در کودکیستان آلمانی در ایران گذراند و در تابستان سال ۱۳۴۱ رهسپار آلمان شد و در مدرسه‌ای در شمال هامبورگ مشغول تحصیل شد.^۱ اولیای مدرسه از وضعیت تحصیلی و روحی بهمن راضی نبودند و این مطلب را کراراً به غلامرضا متذکر می‌شدند.^۲

توران امیر سلیمانی در خاطرات خود در مورد نحوه جدایی غلامرضا پهلوی از هما اعلم چنین می‌نویسد:

یک روز نشسته بودم و الاحضرت تنها آمد خیلی ناراحت، و به من گفت مادر امروز بی‌جهت هما خانم برخاست و پس از صرف صبحانه گفت می‌روم منزل مادرم و دیگر بر نمی‌گردم، در حالی که حتی کلمه‌ای هم بین ما دعوا و دلتنگی پیش نیامده است. ... شب من قضیه را به ملک‌پور گفتم. او گفت من هم مدتی است بعضی صحبتها در اطراف هما خانم می‌شنوم و از قرار، آقای ابتهاج مدتی است که با ایشان سواری می‌کند ... غلامرضا، گیلان‌شاه پیشکار خود را پیش مادر هما اعلم فرستاده که علت چیست؟ مادرش در جواب گفت من نمی‌دانم، همین قدر می‌دانم که می‌گوید من دیگر نمی‌روم؛ طلاق می‌خواهم. و تلاش درباریان هم به نتیجه نرسید ... و بعد از هفت سال زندگی مشترک، غلامرضا به گیلان‌شاه وکالت می‌دهد که طلاق را بدهد ... هما اعلم سه ماه بعد از طلاق از غلامرضا با ابتهاج فرد محبوب خودش ازدواج کرد.^۳

دومین ازدواج غلامرضا با منیژه جهانبانی دختر سرلشکر منصور جهانبانی (برادر سپهبد امان‌الله جهانبانی) بود. پدر زن غلامرضا مدتی رئیس پلیس راه آهن بود و سپس

۱. خاطرات دست نویس توران امیر سلیمانی موجود در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، اسناد شماره ۲۰ و ۱۸-۳-۱۲۶ پ.

۳. خاطرات دست نویس توران امیر سلیمانی موجود در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.



از راست منیره جهانبانی، غلامرضا پهلوی، چنگیز وشمگیر، امیرمصطفی امیرسلیمانی و توران امیرسلیمانی [۱-۵۳۷۰-پ]

سناتور شد. دارودسته جهانبانی نیز در دربار نفوذ داشتند و مادر زن غلامرضا به عنوان نماینده شیراز به مجلس راه یافت.^۱

غلامرضا از منیژه جهانبانی صاحب سه فرزند به نامهای مریم، آذر دخت و بهرام می‌باشد.

خصوصیات اخلاقی

در میان اعضای خاندان پهلوی غلامرضا به عنوان فردی فاقد شخصیت و پول دوست و خسیس شهره است. احمد علی مسعود انصاری نمونه‌ای از خست غلامرضا را بعد از فرار از ایران چنین توصیف می‌کند:

وضع مالی غلامرضا نیز که هم اکنون مقیم انگلیس است خوب و با همان خست همیشگی زندگیش را اداره می‌کند ... مراسم شب سال شاه بود. اعضای خانواده و دوستان یکایک از نقاط مختلف جهان به قاهره می‌آمدند و جالب اینکه همان زمان شاهپور غلامرضا پهلوی از لندن پیغام داد که چون پول تهیه بلیط و مخارج سفر را ندارد نمی‌تواند در شب سال مرگ برادرش شرکت کند، که البته همه می‌دانستند این یک بهانه بود و نشان دیگری از خست او که مشهور خاص و عام بود و الا با زندگی مرفه و پولهای فراوانی که او داشت این هزینه‌ها به حساب نمی‌آمد. به همین سبب هم بر خلاف انتظار وی، فرح یا اشرف برای او پولی نفرستادند و او هم در مراسم شرکت نکرد.^۲

مورد دیگر، آن زمانی که یک نفر به او گفته بود که به فراماسونهایی که بعد از انقلاب به خارج آمده‌اند ماهی صد دلار کمک مالی می‌شود و عجباً که او به این در و آن در زده بود که این پول واهی را وصول کند و ظاهراً بعد از مراجعه به او گفته بودند که سر به سرش گذاشته‌اند.^۳

از نحوه فعالیت و شیوه ورود غلامرضا پهلوی در فراماسونری اطلاع کاملی در دست نیست ولی قدر مسلم آن است که وی از فعالین فراماسونری در ایران بوده است.

۱. حسین فردوست. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ ج ۱: خاطرات حسین فردوست. تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، ص ۲۴۲.

۲. احمد علی مسعود انصاری. من و خاندان پهلوی. تهران، نشر فاخنه، ۱۳۷۱، ص ۱۳۱ و ۱۶۰.

۳. احمد علی مسعود انصاری. همان، ص ۱۳۱.

محمد رضا لاریجانی در کتاب فراماسون از غلامرضا به عنوان استاد اعظم لژ ماسونی نام می برد:

یک عضو سابق فراماسونی پس از درهم ریخته شدن ستاد فراماسونی در تهران در تماسی تلفنی - فقط تلفنی - یادآور شد که اسامی لژ شریف امامی قدیمی است و جدیدترین لژ مربوط به افرادی است که هنوز نامشان قاش نشده و استاد اعظم این لژ غلامرضا پهلوی یعنی برادر شاه سابق بوده است.^۱

فعالیت‌های اقتصادی

اعضای خانواده پهلوی عموماً از مسائل سیاسی بی اطلاع بودند و تمایلی برای ورود به عرصه سیاست نداشتند و به دور از جریانات سیاسی به مسائل اقتصادی اعم از فعالیت‌های سرمایه گذاری در شرکت‌های خارجی و ایرانی، شهرک سازی، ایجاد کازینو، تأسیس شرکت‌های تجاری و بازرگانی و خلاصه هر فعالیتی که جنبه سودآوری داشت می پرداختند و خلاصه در اغلب فعالیت‌های اقتصادی کشور جای پای خانواده پهلوی دیده می شد. محمد رضا نیز از این موضوع ناخشنود نبود. شاید دلیل رضایتش این بود که فعالیت اعضای خانواده اش در امور اقتصادی باعث شود آنها همواره از فعالیت‌های سیاسی دور باشند و به این ترتیب معارضی برای تاج و تخت خود حس نکند و همواره به عنوان حاکم بلامنازع و مقتدر باقی بماند.

یکی از وجوه مشخصه خانواده پهلوی عدم تمکین آنان در مقابل قانون بود. حتی اگر خود آن را وضع می کردند. این عدم تمکین به طرق مختلف ظاهر می شد. یکی از این طرق، استفاده آنان از نفوذ خود برای تفکیک زمین‌هایی است که بنا به عللی غیر قابل تفکیک اعلام می شد. به طور مثال، زمین‌های وسیع علی آباد که تعلق به توران امیر سلیمانی و غلامرضا پهلوی داشت از نظر شهرداری خارج از محدوده شهر تهران تشخیص داده شده بود.^۲

عباس گیلانشاه در نامه‌ای به ملکه توران نظر شهرداری را در مورد وضعیت اراضی علی آباد چنین بیان می کند:

پس از تشریف فرمایی حضرت علییه، از طرف دولت دستور صادر گردید روی اراضی

۱. محمد رضا لاریجانی. فراماسون: اسرار سازمان ماسون در ایران به مناسبت کشف مخفی‌گاه فراماسونها.

بی‌جا، نشر بهروز، ۱۳۵۸. ص ۸

۲. سند شماره ۳۰ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۳. سند شماره ۲۷ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

جنوب تهران اوراق تفکیکی صادر نگردد و تا تکمیل نقشه تهران بزرگ از اقدام به ساختمان در آن منطقه جلوگیری شود. به محض اطلاع از جریان، چگونگی را به عرض والاحضرت رساندم که این موضوع مشمول اراضی والاحضرت که اخیراً در نظر دارند اقدام به فروش نمایند خواهد شد.^۱

در پی این قضیه غلامرضا از شاه برای حل این مشکل استمداد می‌جوید:
جان‌نثار در سال ۱۳۴۵ در صدد برآمدن با رعایت اصول شهرسازی مدرن شهری مانند کوی نهم‌آبان و نازی‌آباد به وجود آورم. ... استدعا دارم امر و مقرر فرمایید شهرداری تهران با توجه کامل به تمام خصوصیات نقشه و گزارش تفصیلی پیوست، این اراضی را که بدون منطبق پس از تحصیل مجوز قانونی با اضلاع منکسر خارج از محدوده تشخیص داده‌اند جزو محدوده شهر قرار دهند که علاوه بر جلوگیری از خسارات وارده به جان‌نثار موجبات آسایش سایر مردم ساکن این منطقه را فراهم سازند که مرفه‌الحال [و] دعاگوئی [ذات مقدس ملوکانه باشند].^۲

در نهایت، تلاش غلامرضا به نتیجه می‌رسد و موافقت برادر تاجدار خود را به دست می‌آورد و زمینهای وی و مادرش از قوانین جاریه مملکت مستثنی می‌شود:
«فعلاً با اقداماتی که شده و انشاءالله به نتیجه خواهد رسید مقرر گردید اراضی والاحضرت و حضرت‌علیه را از مقررات کنار بگذارند و روی آن برگ تفکیکی صادر نمایند.»^۳

احسان نراقی که در آستانه پیروزی انقلاب به دنبال ارائه روشهایی برای جلوگیری از اضمحلال حکومت پهلوی بود یکی از مواردی را که به شاه گزارش می‌دهد سوء استفاده خاندان پهلوی از بحران مسکن و شهرسازیهای خلاف مقررات و ضوابط معمول شهرداری برای کسب منافع سرشار بود:

افراد خانواده شما، خصوصاً والاحضرت غلامرضا، هم از بحران مسکن استفاده شایانی کرد. با توجه به اینکه شهرداری، جز در محدوده‌ای مشخص و با تحت ضوابطی خاص، جواز ساختمان صادر نمی‌کند، ایشان توانستند نظر مخصوص

۱. سند شماره ۲۵ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۲. سند شماره ۲۷ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۳. سند شماره ۲۵ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

شهردار تهران را جلب کنند و برای ساختمان در محلی که بیشترین منافع را عاید می‌کند، جواز دریافت دارند.^۱

از دیگر فعالیتهای ساختمان‌سازی غلامرضا علاوه بر ساخت ویلاهای شخصی در رامسر، ایزدشهر، کرج، دماوند و... شهرک سازی در ایزدشهر می‌باشد که بنا به گزارش مباشر وی سود سرشاری برای وی در برداشته است:

شاید از یک ماه دیگر کار ساختمان آپارتمانها شروع شود. اجبار داریم زودتر بسازیم چون مقدار زیادی قولنامه شده و همچنین ۷۰ درصد ویلاها به فروش رفته و قولنامه شده... و نتیجه و عایدات خوبی را در ایزدشهر برای والا حضرت پیش‌بینی می‌کنم. شاید بتوانم از این کارهایی که در ایزدشهر انجام داده‌ام مانند سایر کارهای گذشته روسفید‌گردم.^۲

فعالیت اقتصادی خاندان پهلوی حد و حصری نداشت و در هر زمینه‌ای که سودآور بود اینان در آنجا حضور داشتند. شاید بتوان گفت کمتر شرکتی بود که به نوعی با خانواده پهلوی مرتبط نبود. نمونه‌ای از شرکتهایی را که متعلق به غلامرضا و خانواده‌اش بود یا وی و خانواده‌اش در آن سهامدار بودند به نقل از روزنامه ایران‌شهر چاپ لندن در اینجا ذکر می‌کنیم:

کارخانجات آزمایش، غلامرضا پهلوی ۵۰٪ سهام؛ شرکت ریسندگی و بافندگی کرج، غلامرضا پهلوی و خانواده اکثریت سهام؛ شرکت کارخانجات نورد و پروفیل ساوه، منیژه پهلوی سهامدار عمده؛ شرکت تمیشان، غلامرضا پهلوی جزو سهامداران؛ شرکت اینداستریال هومز اینترنشنال، غلامرضا و منیژه پهلوی کلیه سهام؛ کشت و صنعت تمیشان، غلامرضا پهلوی ۴۰٪ سهام؛ شرکت کشاورزی پاریسی شهر، غلامرضا پهلوی کلیه سهام؛ کشت و صنعت آجی، غلامرضا پهلوی؛ شرکت کشاورزی و عمرانی سبزدشت، غلامرضا پهلوی؛ شرکت تولیدی سیاک، غلامرضا پهلوی سهامدار عمده؛ کلوپ ورزشی دریاکنار، غلامرضا پهلوی و بنیاد پهلوی کلیه سهام؛^۳ سهامدار شرکت خدمات سرمایه‌گذاران ماوراء

۱. احسان نراقی. از کاخ شاه تا زندان اوین. تهران، رسا، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲.

۲. سند شماره ۲۹ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۳. مصطفی الموتی. ایران در عصر پهلوی - آریامهر در اوج اقتدار. لندن، بی‌نا، ۱۳۷۰، ص ۱۸-۲۰ و

بحار؛^۱ سرمایه‌گذاری در بانک چیس مانهاتان بالغ بر ۵۰۰ هزار دلار؛^۲ شرکت سهامی خاص کالای الکتریک، غلامرضا پهلوی ۱۲/۵ درصد سهام.^۳

درباریان و از جمله غلامرضا برای تأسیس یا خرید سهام شرکتها بعضاً به دو طریق ذیل عمل می‌کردند: ۱. با استفاده از نفوذ خود از اعتبارات بانکها با حداقل سود بانکی استفاده می‌کردند؛ نمونه آن اینکه غلامرضا برای شرکت آجین چای مبلغ ۱۱۹ میلیون ریال و برای شرکت صنایع کشاورزی گل‌تپه ۷۰۰ میلیون ریال از بانک توسعه کشاورزی وام دریافت کرده است.^۴ ۲. گرفتن حق‌العامل کاری از شرکت‌های داخلی و خارجی. اغلب شرکت‌های بزرگ برای غالب شدن بر زدوبندهای رایج جامعه آن روز، کنار گذاشتن رقبا و یا فرار از تعهدات قانونی سعی می‌کردند از حمایت یکی از درباریان برخوردار شوند تا در مواقع لزوم بتوانند از نفوذ گسترده‌ای که درباریان در ادارات و ارگانهای اجتماع داشتند استفاده کنند؛ و از این طریق هم برای ادامه فعالیت خود آزادی عمل پیدا می‌کردند و هم سود سرشاری عایدشان می‌شد. درباریان نیز به ازای استفاده از نفوذ خود برای حل مشکلات شرکتها در صدی از سهام آن شرکتها را به دست می‌آوردند و یا امتیازات دیگری از قبیل امکان سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ خارجی و سودده را کسب می‌کردند. شرکت الکتریک یکی از این شرکتهاست که ده درصد از سود خالص خود را به ازای حمایت غلامرضا از شرکت مزبور تا مدت ده سال به وی پیشنهاد می‌کند: به منظور حق‌شناسی از توجه خاصی که از طرف معظم‌له نسبت به توسعه این واحد صنعتی به عمل آمد از طرف بهرام پلونده مدیر عامل شرکت از والاحضرت تقاضا گردید که با قبول ده درصد از سود خالص سالیانه شرکت به نحو غیر قابل انتقال و طبق بیلان رسمی شرکت از این تاریخ تا مدت ده سال نسبت به پیشرفت فعالیت این واحد صنعتی بذل عنایت فرموده و در قبال مشکلاتی که ممکن است برخلاف قوانین برای شرکت ایجاد نمایند در حدود قانون شرکت را مورد حمایت قرار دهند.^۵

۱. اسناد شماره ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۲. سند شماره ۴۲ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.

۳. اداره ثبت شرکتها

۴. حسین ملکی. تبه‌کارهای اداری و غارتگران ثروتهای ملی و طبیعی ایران. بی‌جا، نشر کورش، ۱۳۵۸.

۵. سند شماره ۳۲ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران. ص ۱۰۹

آر.اس. الکساندر مدیر شرکت کمکهای صنعتی بین‌المللی در نامه‌ای خطاب به غلامرضا پهلوی می‌نویسد:

در ماههای گذشته لطف کردید امور بازرگانی چندی را در داخل کشورتان در صنعت نفت و صنایع سیمان به من معرفی کردید. هم اکنون نیز خواستار راهنماییهای ارزشمند شما دربارهٔ بخش خصوصی امور بیمه می‌باشم.^۱

شرکتهای خارجی برای کسب مجوز در امور تجاری و بازرگانی سریعترین و مطمئن‌ترین راه را استفاده از نفوذ دربار می‌دانستند شرکت لوای از جمله این شرکتهاست که انجام توافقنامه با شرکت نفت رامنوط به پادرمیانی غلامرضا می‌داند و از وی می‌خواهد که این موضوع را با مقامات مطرح کند.

امروز دکتر فلاح قول مساعدت داد و عقیده‌اش آن بود که اگر والاحضرت با وی تماس گیرد مورد ما بی هیچ تأخیری حل خواهد شد.^۲

این نفوذ فروشی درباریان به ازای گرفتن مبالغ هنگفت از شرکتهای ایرانی و خارجی به درجه‌ای از شدت می‌رسد که محمدرضا پهلوی که خود غرق در باتلاق نفوذ فروشی است زبان به اعتراض می‌گشاید! و مانع از بازدید غلامرضا پهلوی از شرکت هواپیما سازی گرومان در آمریکا می‌شود. علم در گزارش ۳ تیر ۱۹۷۶ در این باره چنین می‌نویسد:

گزارش دادم که شرکت هواپیما سازی گرومان پیشنهاد کرده که از والاحضرت غلامرضا در سفر آینده‌اش به ایالات متحده پذیرایی کند. این شرکت متهم به رشوه دادن به تعدادی از هم ولایتیهای ما به منظور افزایش فروشش است و ابداً صلاح نیست که والاحضرت دعوت آنها را بپذیرد. شاه گفت: به او بگویید نرود. به خاطر چند دلار گنبدیده برای ما بی‌آبرویی به بار می‌آورد.^۳

۱. سند شماره ۳۹ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.
 ۲. سند شماره ۳۸ از مجموعه اسناد غلامرضا پهلوی و ملکه توران.
 ۳. اسدالله علم. گفتگوهای من با شاه؛ جلد دوم. تهران، ۱۳۷۱. ص ۷۹۳.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

اسناد

فهرست اسناد غلامرضا پهلوی

۱. نامه سلیمان بهبودی به اداره محاسبات دربار شاهنشاهی مبنی بر ابلاغ دستور رضاشاه.
- ۲-۴. مکاتبات غلامرضا پهلوی و ملکه توران: موضوعهای خانوادگی، درگیری ملکه توران با تاج‌الملوک، وضعیت تحصیلی و معیشتی غلامرضا در خارج و...
۵. نامه ملکه توران به محمدرضا پهلوی: وضعیت تحصیلی و معیشتی غلامرضا پهلوی در خارج از کشور.
- ۶-۱۶. مکاتبات غلامرضا پهلوی و ملکه توران: موضوعهای خانوادگی، درگیری ملکه توران با تاج‌الملوک، وضعیت تحصیلی و معیشتی غلامرضا پهلوی در خارج و...
۱۷. نامه ابوالفضل حاذقی به ملکه توران.
۱۸. کارت دعوت از ذبیح‌الله ملک‌پور و ملکه توران برای شرکت در جلسه تسلیح اخلاقی.
۱۹. قطعه شعری از ابراهیم صهبا در وصف ملکه توران.
۲۰. نامه پری مهنا به ملکه توران.
- ۲۱ و ۲۲. نامه و قرارداد درباره پروژه ساخت تورانشهر.
۲۳. صورت هزینه عروسی غلامرضا پهلوی.
۲۴. نامه هوشنگ پناهی به محمدرضا پهلوی درباره غلامرضا پهلوی.
- ۲۵-۲۸. مکاتبات درباره شهرک سازی در اراضی علی‌آباد.
۲۹. گزارش مرتضی سلطانیه درباره وضعیت املاک غلامرضا پهلوی.
۳۰. اجازه نامه ایجاد کازینو در مجتمع ساحلی ایزدشهر.
۳۱. گزارش امیرفیض درباره حمله مردم به اراضی غلامرضا پهلوی.
- ۳۲-۴۳. مکاتبات و صورت حسابهای مختلف درباره فعالیتهای اقتصادی غلامرضا پهلوی.

www.KetabFarsi.com